

جایگاه کتاب‌های غیر تخیلی کودک در یونان

O نوشته: آنجلا یانيسكو پولو

O ترجمه: شقایق قندهاری

O منبع: شماره و تاریخ و... Book bird 2002

می‌افتد و با احساس این که بارش بسیار سبک شده، بالا می‌آید، اما وقتی الاغ دوم هم می‌خواهد تظاهر کند که به صورتی کاملاً تصادفی به رودخانه افتاده، متوجه می‌شود که بارش به مراتب سنگین‌تر از قبل شده است!

از سوی دیگر، سایر کتاب‌ها نیز از حق انتقال و بیان مسائل علمی برخوردارند؛ حتی اگر بنابه انتخاب خود بخواهند اطلاعات علمی را در قالبی داستانی مطرح کنند. در اکثر این کتاب‌ها، قصد و نظر نویسنده برای انتقال و رساندن دانش علمی به مخاطبان خود، آن قدر واضح و گویاست که این نکته را می‌توان حتی از روی صفحه عنوان کتاب دریافت کرد. در واقع، آن نکته و واقعیت علمی که باعث طرح و خلق اثر داستانی شده، به وضوح ذکر می‌شود که به طور معمول، این امر یا در عنوان کتاب و یا با بیان جایگاه کتاب در مجموعه کتاب‌های آن ناشر یا دست‌آخر به شکل عنوان فرعی، توضیحی، مشخص می‌شود. برای مثال، زمانی که عنوان کتاب «من از آب نمی‌ترسم» و عنوان فرعی آن «جریان آب» باشد، کاملاً روشن است که هدف اصلی از طرح و بازگویی چنین داستانی، بیان دانش مربوط به پدیده‌ای علمی به کودکان است. این کتاب، توسط «کاترینا یا نیکو»^۱ نخستین بار در سال ۱۹۹۷، در «آتن»^۲ به چاپ رسید. در این اثر تخیلی، تغلیظ و جریان پیوسته آب و حالات مختلف آن که به شکل‌های گوناگونی ظاهر می‌شود، با استفاده از بی‌رنگ داستانی ضعیفی درباره موشی

تخیلی است و در صورتی که هدف نویسنده، انتقال دانش و آموزش باشد، کتاب در طیف آثار غیر تخیلی جای می‌گیرد.

بنابراین، حتی اگر کتاب‌های تخیلی، واقعیت‌های علمی را بازگو کنند، این بیان و انتقال دانش را در روند روایت داستان و به صورتی کاملاً نامشخص و گاه به گاه انجام می‌دهند. در داستان‌هایی که اساساً حول محور مسئله و واقعیتی علمی خلق شده‌اند و این موضوع علمی، چنان نقش حیاتی و برجسته‌ای دارد که درک و دریافت طرح کلی داستان، تنها به درک و استنباط عمیق و مناسب از این پدیده علمی بستگی دارد، این گرایش و روند به اوج خود می‌رسد.

در میان افسانه‌های ازوپ، یکی از افسانه‌ها درباره کلاغی تشنه است که پس از انداختن تعدادی سنگ به درون یک ظرف آب، بالاخره موفق می‌شود با بالا آمدن سطح آب، آب بنوشد. این داستان، نمایان‌گر تجربه و پدیده‌ای علمی است که در پس روایت داستانی، خود را پنهان کرده است. همین‌طور یکی دیگر از افسانه‌های ازوپ، درباره دو الاغ که بارشان نمک و اسفنج است، علاوه بر این که کشش داستانی لازم را دارد، موفق می‌شود بحث علمی اجسام محلول و غیر محلول را به خوبی مطرح کند. این مسئله علمی با طرح داستانی بسیار گیران و خاطره‌انگیز، در ذهن مخاطبان ماندگار می‌شود؛ یکی از الاغ‌ها پایش سر می‌خورد و ناخواسته به رودخانه

مرز میان آثار تخیلی و آثار غیرتخیلی، نامشخص و مبهم است؛ به خصوص زمانی که این امر، دامن کتاب‌های کودکان پیش دبستانی را بگیرد و آن‌ها را مورد هدف قرار بدهد! وضعیت دو طیف از کتاب‌ها کاملاً مشخص است؛ نخست کتاب‌هایی که داستانی تخیلی و غیرواقعی را در فضایی کاملاً خیالی بازگو می‌کنند و دوم کتاب‌های غیر تخیلی که مسائل علمی را در قالبی کاملاً جدی و واقعی بیان می‌کنند. اما علاوه بر این دو گروه کتاب، طیف سوم از کتاب‌ها نیز وجود دارد که در حد فاصل این دو گروه جای می‌گیرد؛ کتاب‌هایی که مسائل و موضوعات علمی را در قالب داستان بازگو می‌کنند. من در این مقاله، قصد بررسی این گروه سوم را دارم؛ کتاب‌هایی که در بازار کتاب یونان، پدیده‌ای حائز اهمیت محسوب می‌شوند.

تلاش زیادی برای ارائه تعریفی کاملاً جهانی و واحد، در خصوص تقسیم‌بندی انواع کتاب‌ها صورت گرفته است. با وجود این، «مارتا کارپوزیلو»^۱ معتقد است که معیار اصلی تعیین‌کننده این طبقه‌بندی، قصد و نیت خود نویسنده از نگارش اثر است. این تعریف - که در وهله اول ما را به یاد تمایز و تفکیک کلاسیک میان ادبیات کودک و ادبیات بزرگسال می‌اندازد که با معیار مخاطب مورد نظر نویسنده مشخص می‌شود - کتاب‌ها را با این ملاک و معیار طبقه‌بندی می‌کند: چنانچه نویسنده اثر درصدد سرگرم ساختن مخاطبان خود باشد، کتاب او جزو آثار

که از آب می‌ترسد، به تصویر کشیده شده است روایت داستانی، بهانه و ابزاری پذیرفتنی و کاملاً باورکردنی برای طرح درس علمی، در قالبی کاملاً ملموس و دست یافتنی است.

البته علاوه بر این قبیل کتاب‌ها، در تعدادی از کتاب‌ها بخش‌های خاص وجود دارد که با صراحت، مربیان یا والدین را مخاطب خود قرار می‌دهد و اطلاعات جامعی درخصوص موضوعات علمی مرتبطی که درک و دریافت هرچه بهتر مسئله را ممکن می‌سازد، در قالب فعالیت‌هایی علمی ارایه می‌دهد. در این خصوص، می‌توان به کتاب مصور «پسرک نفتی و نفت»، نوشته «دیمیتریس لاسکاریدیس»^۴ اشاره کرد. در این کتاب پرسش‌ها، آزمایش‌های علمی و فعالیت‌های ابتدایی و ساده آزمایشگاهی، روایت داستانی را با آموزش علمی پیوند می‌دهند.

در چنین کتاب‌هایی، مسئله علمی و اشتیاق و خواست خالق اثر برای انتقال هرچه بهتر نکته‌ها و مفاهیم مورد نظر خود به مخاطبان کودک و نوجوان، در جایگاه اول قرار می‌گیرد و نسبت به طرح داستانی، اولویت دارد. در واقع، آموزش علمی نقش اصلی را بر عهده دارد و پس از آن، روایت خیالی و داستانی، حکم چارچوب و قالبی را دارد. خواننده را در درک بهتر مفاهیم همراهی می‌کند. بدین شکل، نوع جدیدی از کتاب‌های «داستانی آموزشی» به وجود آمده است. البته، ما ناگزیر با کتاب‌هایی برخورد می‌کنیم که درست در خط مرز میان کتاب‌های داستانی و غیرداستانی قرار دارند. در این قبیل کتاب‌ها، هسته علمی اثر، خود را در پس قالب داستانی مخفی می‌کند و دیدگاه‌های تعلیم و تربیتی مؤلف را درباره شیوه روایتی خاص طرح مسائل آموزشی و علمی به کودکان، نشان می‌دهد.

عواملی که موجب گسترش این قبیل کتاب‌های «تخیلی - غیرتخیلی» برای مخاطبان کودک و نوجوان شده، بسیار متفاوت بوده در این میان عوامل تاریخی، اجتماعی و تعلیم و تربیتی نقش برجسته‌ای دارند. به هر حال، علی‌رغم این که پیوند حقایق علمی با روایت تخیلی یا داستانی، بعید و غیرممکن به نظر می‌رسد، باید متذکر شد که از قرن‌ها پیش، دانش علمی و اساطیر، در کنار هم جای داشته‌اند و هر دو با هم به بیان مفاهیم بنیادی جهان کمک کرده‌اند. اسطوره‌های کیهان‌شناسی، دانش بشری را به نسل‌های بعدی منتقل کرد و ماهیت ذاتی حقایق تاریخی در هسته و مرکز افسانه‌ها پنهان شد.

روایت داستانی، جنبه عاطفی و احساسی خاصی به حقایق علمی می‌دهد که این بُعد حسی و عاطفی، با سبک و سیاق آثار علمی محض، قابل تأمین نیست. در واقع، زمانی که خود علم و مسائل علمی، سایه‌ای مؤثر و پرنقش و نگار دارد، قدرت بسیار بالا و نافذ قصه‌گویی، توجه مخاطبان کودک و نوجوان را به خود جلب می‌کند. حقایق علمی‌ای که در قالب

داستان بیان می‌شوند، کودکان را طلسم می‌کنند؛ درست همان‌طور که کودکان چنین برخورد و حالتی را با روایت‌های داستانی دارند. در حقیقت، کودکان به واسطه روایت‌های خلاق داستانی، می‌توانند در عالم خیال و تصورات خود به فکر فرو بروند و در چارچوب اثر، مسائل را مورد ارزیابی قرار بدهند، مسائل را به واسطه درون‌مایه‌های زبانی به خاطر بسپارند و به دلیل توجیه همه اجزا و عناصر موجود در داستان به وسیله سحر و جادو، همه چیز را به صورتی گویا برای خود توضیح بدهند. وجود رویکرد روایت داستانی نسبت به مسائل علمی، موجب ترکیب دو کارکرد کاملاً متمایز شناخته شده می‌شود؛ کارکرد روایی و کارکرد علمی به علاوه، به نظر می‌رسد که چنین رویکرد و برخوردی با مسائل علمی، موجب طراحی و خلق فضاها و موقعیت‌هایی مشابه با فضاهای ادبی می‌شود. ارزش و اهمیت دنیای تخیل و مسائل شگفت‌انگیز را باید مدنظر داشت؛ چرا که این عناصر، حکم دعوت نامه‌ای را دارند که کودکان را وارد دنیای علم و دانش می‌کنند. و سرانجام، کودکان را به درک و لمس هیجان، بهت و حیرت و پیچیدگی‌های موجود در جهان رهنمون می‌شوند. چنان چه ما این گفته «آلفرد نورس وایت هد»^۵ را بپذیریم که «مرحله تخیل و رؤیا، مرحله‌ای است که به اولین درک و دریافت منجر می‌شود»، در این حالت به نقش و اهمیت داستان، برای استنباط و درک مسائل علمی، بیش از پیش پی می‌بریم.

علاوه بر این، امروزه فاصله میان حقایق علمی و داستان‌های خیالی، در برنامه آموزشی مدارس کشورمان یونان هم پُر شده است. در طول دو دهه گذشته که نقش و جایگاه علوم در آموزش‌های ابتدایی، با دقت و موشکافانه مورد بررسی قرار گرفت، ایجاد رابطه‌ای مستحکم میان کودکان و علوم، به واسطه حضور داستان تسهیل شد. در این خصوص، باید خاطر نشان کرد که داستان‌ها در جذب و جلب نظر کودکان به طرف مسائل و موضوعات علمی، حکم محرکی قوی را دارند. بنابه عقیده کارشناسان، قصه‌گویی، حکم «برگ برنده»‌ای را دارد که معلم آن را در اختیار گرفته است و به همین دلیل، در بسیاری از حوزه‌های آموزش و حتی در تبیین بسیاری از مسائل علمی، از قالب داستانی استفاده می‌شود. برنامه آموزشی مدارس یونان، تحت تأثیر «انقلاب مطالعاتی مبتنی بر ادبیات» قرار گرفته است و از این رو، معلمان در تعلیم و آموزش علوم، به وفور از کتاب‌های داستانی استفاده می‌کنند. نتایج تحقیقات و مطالعات اخیر ثابت کرده که آموزش و تعلیم تفریحی از دو عنصر علوم و ادبیات بر کودکان، تأثیر مثبت و موفق دارد که این امر، به خصوص در مورد خردسالان، به وضوح

صدق می‌کند.

استفاده از قالب داستانی، به دلایل مختلفی به وسیله بسیار مناسب برای طرح و بیان موضوعات علمی به کودکان، تبدیل شده است؛ اول این که کودکان در این چارچوب، مسائل را بهتر درک می‌کنند و آن را خوب به خاطر می‌سپارند و از آن مهم‌تر این که بدین شکل سؤالاتی نیز در ذهن کنجکاو کودکان شکل می‌گیرد. در شرایطی که در کتاب‌های درسی آموزش مسائل علمی، پیش از آن که خود مسئله علمی برای کودک جابفتند، به حل آن اقدام می‌کند، با استفاده از طرح داستان، پرسش‌هایی مناسب و موشکافانه در ذهن مخاطبان نکته‌سنج نقش می‌بندد. مثلاً در این حالت، کودک می‌پرسد که چرا در افسانه ازوپ، آن الاغی که بار نمک داشت، پس از افتادن به داخل آب، بارش سبک‌تر شد؟

در تمامی موارد، گرایش بارز کتاب‌های غیرتخیلی، تأکید بیش از حد به توانایی خود در مخاطب قراردادن کودکان، به هنگام طرح مسائل پیچیده و بغرنج است که این امر را می‌توان برای نمونه، در کتاب «من از آب نمی‌ترسم»، به شکلی ملموس و محسوس دریافت. اگرچه تمام کتاب‌هایی که در این دسته‌بندی قرار می‌گیرند، کاملاً مثل هم نیستند، به هر حال ویژگی‌های مشابهی دارند.

در طول دو دهه گذشته که نقش و جایگاه علوم در آموزش‌های ابتدایی، با دقت و موشکافانه مورد بررسی قرار گرفت، ایجاد رابطه‌ای مستحکم میان کودکان و علوم، به واسطه حضور داستان تسهیل شد

مؤلفان این کتاب‌ها برای دفاع از خود و توجیه قابلیت و توانایی‌شان در انتقال دانش علمی به کودکان و مخاطبان خردسال، به طور مکرر از تکنیک‌هایی بهره می‌برند که وانمود می‌کند کتاب با کودک بسیار دوست و کاملاً صمیمی است. و بدین شکل، در جلب نظر مخاطب خود می‌کوشند.

در اکثر موارد، شخصیت‌های اصلی این کتاب، خود کودکان هستند؛ درست مثل کتاب «پرسش‌های کودکان؛ دریا؛ چرا آب دریا شور است؟»، نوشته «وولا ماستوری»^۶ (چاپ ۱۹۹۹ در آتن). البته، در بسیاری از موارد، جانوران نقش‌های اصلی را بر عهده می‌گیرند. در این موارد، موش‌ها یا خرس‌های کوچک ملموس، به شکل پرسشگری زیرک و کنجکاو، وارد فضای داستان می‌شوند که کتاب «من از آب نمی‌ترسم»، مثال مناسبی محسوب می‌شود. روایت داستانی، به

تدریج نشان می‌دهد که این شخصیت‌ها در حال جست و جو و توضیح مسائل برای خود، بالاخره جواب پرسش‌های خود را دریافت می‌کنند.

به جز جانورانی که شخصیتی زنده و پویا به خود گرفته‌اند و نقش کودکان کنجکاو و پرسشگر را دارند، یکی دیگر از ابزارهای رایج، جان بخشیدن و زنده کردن خود پدیده‌ها و مسائل علمی و فیزیکی است. مثلاً ابرهایی که به شکل انسان درآمده‌اند، با همدیگر حرف می‌زنند، احساسات خود را بازگو می‌کنند، از تجربه‌های خود سخن می‌گویند و مسائل علمی را در قالب محسوس و کاملاً به یاد ماندنی، موشکافی و بررسی می‌کنند. در این حالت، روایت داستانی اثر از لحاظ حسی، عاطفی و شناختی بسیار گویاتر می‌شود و نفوذ و تأثیر ماندگارتری بر ذهن مخاطبان برجا می‌گذارد. بنابراین، در حالی که ابر مغرور و متکبر، به شدت تحت تأثیر تشنگی گل‌های کوچک قرار می‌گیرد و اشک هایش جاری می‌شود، بارانی که از آب می‌بارد، دو نقش ایفا می‌کند: اول تشویق و ترغیب ارزش اخلاقی فداکاری و از خود گذشتگی و دوم بیان مسئله‌ای علمی در خصوص وضعیت تبخیر و تغییر حالت آن؛ درست مثل داستان «پسر ابری»، نوشته «آرگیر و کوکوری» (چاپ ۱۹۹۸). در این میان، حتی محصولات پردازش شده (مثل محصولات نفتی) نیز به صورتی جذاب و جالب توجه، در قالبی جاندار نمایان می‌شوند: داستان پسرک نفتی را در نظر بگیرید که در عالم خیالات خود، دنیای بدون نفت و مشتقات آن را تجسم می‌کند. این داستان و داستان‌هایی نظیر این، با طرح و ارائه درس‌های علمی در قالب روایت اول شخص، بسیار موفق عمل می‌کنند و به صورتی گویا و روشن، مسئله مورد نظر را مطرح و مخاطب را جذب می‌کنند. در کتاب ذکر شده، نویسنده کار خود را بر مبنای مقایسه و بیان تفاوت‌های دنیای واقعی عصر حاضر با دنیای بدون نفت و محصولات مشتق شده از آن، در دو صفحه سمت راست و سمت چپ کتاب، در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد. بدین ترتیب، با مقایسه دو تصویر سمت راست و سمت چپ صفحات کتاب و طرح‌ها و رنگ‌های متفاوت و متمایز، به وضوح می‌توان این تفاوت‌ها را درک کرد. مثلاً در دنیای واقعی، در تصویر صفحه سمت چپ، مردم سوار اتومبیل هستند، درحالی‌که در تصویر صفحه مقابل، مردم سوار بر ارابه‌ها نشان داده می‌شوند. در دنیای کنونی، رنگ آسمان به سبب آلودگی هوا، بسیار کدر و خاکستری است، اما در دنیای خیال، آسمان بسیار زلال و آبی است! در بیان هسته علمی روایت داستانی، در قالب سوآلی که توسط کودکان مطرح می‌شود، جانورانی که نقش انسان‌ها را به خود گرفته‌اند یا حتی جانورانی که هم‌چون انسان‌ها سخن می‌گویند، انتخاب چنین موضوعاتی را علاوه بر گزینش واژگان و سبک نگارش داستان، توجیه می‌کنند. در چنین حالتی، بیان مسئله علمی در قالب خشک علمی و آموزشی

صورت نمی‌گیرد، بلکه مخاطب خردسال کتاب، با علاقه و اشتیاق، روایت داستانی را دنبال می‌کند و به درک و دریافت بالایی از مفاهیم و نکته‌های علمی مطرح شده در آن دست می‌یابد. در واقع، چون در این وضعیت بسیاری از پرسش‌ها از جانب خود کودکان مطرح می‌شود، کودکان با کنجکاو بیشتی سرراغ چنین کتاب‌هایی و به خصوص مجموعه کتاب‌های این چنینی می‌روند.

علی‌رغم گفته مطرح و برجسته «برونر»^۸ که هر مسئله و نکته‌ای را می‌توان به هر مخاطبی یاد داد (البته به این شرط که با روش مناسبی به او ارائه شود)، نویسندگان کتاب‌های کودکان یونان، در بیان و طرح مسائل و حقایق علمی و آموزش آن‌ها، دست به

گزینش می‌زنند و در اکثر موارد، تنها آن نکته‌هایی را برای ارائه انتخاب می‌کنند که از نظر خودشان برای کودکان مناسب‌تر است. به عنوان مثال، موضوعی که به کرات توسط مؤلفان یونانی طرح شده، مسئله آب، جریان آن و شکل‌های مختلف آن است که در این خصوص، کتاب‌های «سرگذشت آب»، نوشته «آناستاسیا پریستراکی سایکوئیو»^۹ (چاپ ۱۹۹۵ در آتن) یا «قطره باران»، نوشته «آلیکی و ویو کلاکی»^{۱۰} قابل توجه است. در عوض، طرح مسائل علمی و آموزشی مربوط به نور یا هوا، به ندرت مورد توجه قرار گرفته؛ چرا که متأسفانه از نظر نویسندگان، این مسائل برای کودکان گنگ و ناشناخته است. گرایش دیگر کتاب‌های کودکان، بازگویی

به جز جانورانی که شخصیتی زنده و پویا به خود گرفته‌اند و نقش کودکان کنجکاو و پرسشگر را دارند، یکی دیگر از ابزارهای رایج، جان بخشیدن و زنده کردن خود پدیده‌ها و مسائل علمی و فیزیکی است. مثلاً ابرهایی که به شکل انسان درآمده‌اند، با همدیگر حرف می‌زنند، احساسات خود را بازگو می‌کنند، از تجربه‌های خود سخن می‌گویند و مسائل علمی را در قالب محسوس و کاملاً به یاد ماندنی، موشکافی و بررسی می‌کنند



مسائل علمی به زبان ساده و در حیطهٔ درک و فهم کودکان است که نشان می‌دهد این نویسندگان، به عمد از به کارگیری واژگان و اصطلاحات پیچیده و دشوار علمی پرهیز می‌کنند. اما متأسفانه، چنین روشی که در ظاهر برای درک و دریافت مسائل علمی به وسیله کودکان است، نه تنها اصطلاحات و واژگان علمی را فدا و جایگاه آن‌ها را ضایع می‌کند، بلکه حتی میزان درستی و صحت حقایق علمی را هم زیر سؤال می‌برد که این مورد دوم، از جمله بدترین عوارض این روش است. داستان یک قطره بخار که در سفری طولانی و تنها، ابتدا ابر را ترک می‌کند، سپس به صورت قطره باران به زمین می‌رسد، دوباره تبخیر می‌شود و یک بار دیگر همراه با قطره‌های

دیگر به ابر خود باز می‌گردد اگرچه به ظاهر کشش داستانی لازم را داراست، بار علمی چندانی ندارد و قادر نیست مسئلهٔ علمی مورد نظر را با دقت و موشکافی لازم بیان کند.

از آن جایی که خالقان و پدیدآورندگان کتاب‌های «تخیلی - غیر تخیلی» تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا درسی قابل فهم و به یاد ماندنی در اختیار مخاطبان خود قرار بدهند - صرف نظر از قابلیت استفاده از کتاب در کلاس‌های درسی - خطر بزرگی این آثار را تهدید می‌کند و آن، وجود نشانه‌های قواعد تعلیم و تربیتی در بطن کتاب در قالبی جدید است! در حالی که طرح مسائل آموزشی کهن، نظیر مسائل اخلاقی و سنتی از یاد می‌رود، حوزه‌های

جدیدی از مسائل تعلیم و تربیتی که با ایده‌های دنیای مدرن کاملاً متناسب است. مثل مسائل ضد جنسی و ضد نژاد پرستی. در عرصهٔ ادبیات کودکان جای خود را باز می‌کنند. هر بار که کیفیت کتابی، به واسطهٔ پذیرش ارزش‌های اخلاقی طرح شده یا میزان سودمندی درس آموزش داده شده، مشخص می‌شود و در ارزیابی کیفیت کتاب محاسن هندی و ادبی آن مورد توجه قرار نمی‌گیرد، سبک جدیدی از طرح مسائل در قالبی تربیتی و آموزشی و به صورتی زیرکانه و حتی مودبانه، نمایان می‌شود. البته، ما ادعا نداریم که تمام کتاب‌هایی که سوژه‌های علمی را در قالب تخیلی طرح می‌کنند، فاقد ارزش زیبایی‌شناسی و ادبی هستند یا این که ادبیات ضعیفی را به خورد کودکان می‌دهند. در واقع، بسیاری از آثار در حالی که به وضوح ابراز می‌کنند که قصد بیان مسئله‌ای علمی و آموزشی را دارند، از تمامی عناصر هندی و ادبی نیز در خدمت هنر خود بهره می‌برند. برای نمونه، داستان «ابری که گریه سر داد»، نوشتهٔ «سوفیا مانتو والوو» (چاپ ۱۹۹۷)، مسئلهٔ جریان حرکت آب را با زبانی بسیار گیرا، همراه تصاویری جذاب، در اختیار کودکان مخاطب کتاب قرار می‌دهد.

با این اوصاف، سوژه‌ها و موضوعات علمی نیز درست به اندازهٔ دنیای تخیلات داستانی، کودکان را سحر و افسون می‌کنند. جای دادن رویدادهای علمی در جهان داستان، باعث ناراحتی کودکان نمی‌شود؛ چرا که خود جهان واقعی نیز از لحاظ جذابیت و شگفت‌انگیزی، از فضای داستان‌های خیالی چیزی کم ندارد. آبی که موفق می‌شود از داخل ظرف داغ در حال جوشیدن فرار کند یا قاشقی که هر بار که داخل لیوان آب گذاشته می‌شود، می‌شکند و دوباره به محض این که از داخل لیوان درآورده می‌شود، ترمیم می‌شود به همان شکل اولیهٔ خود بازمی‌گردد، با دنیای قهرمان‌های خیالی داستان و شگفتی‌های شان برابری می‌کند. به واقع، اکثر کتاب‌های «تخیلی - غیر تخیلی»، در همین خط مرز - بسیار ضعیف و شکننده جایی که دنیای خیالی با واقعیت‌های سحرانگیز تلاقی می‌کند - جای دارند.

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - Martha Karpozilou
- ۲ - Katerina Yannikou
- ۳ - Athens
- ۴ - Dimitris Laskaridis
- ۵ - Alfred North Whitehead
- ۶ - Voula Mastori
- ۷ - Argiro Kokoreli
- ۸ - Bruner .
- ۹ - Anastasia Peristeraki-Psycoyiou
- ۱۰ - Aiki Vouyiouklaki
- ۱۱ - Sofia Mantouvalou

از آن جایی که خالقان و پدیدآورندگان کتاب‌های «تخیلی - غیر تخیلی» تمام تلاش خود را به کار می‌گیرند تا درسی قابل فهم و به یاد ماندنی در اختیار مخاطبان خود قرار بدهند - صرف نظر از قابلیت استفاده از کتاب در کلاس‌های درسی - خطر بزرگی این آثار را تهدید می‌کند و آن، وجود نشانه‌های قواعد تعلیم و تربیتی در بطن کتاب در قالبی جدید است

